

ابیات فهلوی بُندار رازی در جُنگ ۱۴۴۵۶ کتابخانه گنج‌بخش

* محمدصادق خاتمی

** سلمان ساکت

چکیده

اغلب جُنگ‌های شعری، به دلیل وجود اشعار منتخب از سخنوران متقدم پارسی‌گو در آنها، از منابع جنبی مهم در تصحیح انتقادی آثار منظوم و نیز پژوهش‌های شعرشناسی به شمار می‌آیند. یکی از این سفینه‌ها، دست‌نویس شماره ۱۴۴۵۶ کتابخانه گنج‌بخش است که به احتمال بسیار در اواخر سده هشتم هجری کتابت شده و به دو سفینه یحیی توفیق (مورخ ۷۵۴ق)، گردآورده سعدالدین الهی/آلهی و جُنگ ۵۳۴ کتابخانه مجلس (مورخ سده دهم هجری) شباهت بسیار دارد. در این جُنگ ضبط‌هایی تازه و متفاوت از ابیات فهلوی بندار آمده که با ضبط‌های منابع دیگر متفاوت است. نویسندگان، در این مقاله، این ضبط‌ها را گزارش، و سپس ابیات جُنگ را بر اساس صورت نهایی پیشنهادشده برای برخی از واژه‌های مبهم آنها، معنا کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: جُنگ گنج‌بخش، سفینه یحیی توفیق، سعدالدین الهی/آلهی، فهلویات، بندار رازی

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۹ تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۲۲

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)/

m.s.khatami92@gmail.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد/ saket@ferdowsi.um.ac.ir

مقدمه

کمال‌الدین ابوالفتح بُندار (بندار) بن ابی‌نصر خاطری رازی^۱ (د. ۴۲۱ق)، شاعر بنام سده‌های چهارم و اوایل قرن پنجم هجری و از بزرگان شعرای آل بویه، از مردم قهستان ری و منسوب به دربار امیر مجدوالدوله دیلمی (حک: ۳۸۷-۴۲۱ق) بود که نزد صاحب بن عبّاد (۳۲۶-۳۸۵ق) تربیت یافت (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۴۲-۴۳). بندار به فارسی، عربی و دیلمی شعر می‌سرود (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۷۲۱/۲) و دیوان وی تا زمان نگارش تاریخ گزیده (تألیف: ۷۳۰ق) شهرت تمام داشت (حمدالله مستوفی، ۱۳۹۴: ۷۶۲/۲)، اما از اشعار او جز ابیاتی معدود از جدّ و هزل به صورت پراکنده در تذکره‌ها و جُنگ‌ها چیزی بر جای نمانده است.

یکی از این جُنگ‌ها، سفینه منظومی است که در میان محققان به «جُنگ گنج‌بخش» شهرت یافته، حال آن‌که این جُنگ را باید بیاضی دانست که به دو سفینه یحیی توفیق (مورّخ ۷۵۴ق.) و جُنگ ۵۳۴ کتابخانه مجلس (مورّخ قرن دهم هجری) که سعدالدین الهی/آلهی، از سخن‌شناسان سده هفتم و هشتم هجری آن را گرد آورده است، شباهت بسیار دارد.^۲

به دیگر سخن، گردآورنده جُنگ ۱۴۴۵۶ کتابخانه گنج‌بخش در اواخر سده هشتم با حفظ ساختار اصلی سفینه یحیی توفیق و البته تغییراتی در ضبط اشعار و گاه افزودن اشعاری از سخنورانی دیگر، گزیده‌ای از آن سفینه فراهم آورده و دو قرن بعد، جامعی دیگر با تلخیص و گاه جایگزین کردن ابیاتی از شعرای هم‌روزگارش به جای برخی از گویندگان آن دو بیاض، سفینه‌ای جدید و متفاوت با دو جُنگ پیشین ترتیب داده است. نگارندگان بر آنند که شباهت این سه سفینه تنها در «ساختار» آنهاست و با وجود داشتن شباهت ظاهری در تبویب موضوعی، سه اثر مجزّا از یکدیگرند که در «میزان نقل اشعار از یک شاعر» و نیز

۱. برای آگاهی درباره او، نک: آذر بیگدلی، ۱۳۳۹-۱۳۴۰: بخش سوم/ ۱۰۷۵-۱۰۷۸؛ اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۷۲۰/۲-۷۲۲؛ دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۴۲-۴۴؛ رازی، ۱۳۷۸: ۱۱۶۹/۲-۱۱۷۰؛ شوشتری، ۱۳۷۷: ۶۱۳/۲-۶۱۴؛ نظامی عروضی، ۱۳۳۳: ۴۵ و ۱۴۳-۱۴۴؛ هدایت، ۱۳۳۹: ۶۰۸/۱-۶۰۹؛ و هروی، ۱۳۴۵: ۱۰.

۲. این جُنگ را نخستین بار استاد علی‌اشرف صادقی در نوشتاری با عنوان «اشعار تازه‌ای از منوچهری» معرفی کرده‌اند (نک: صادقی، ۱۳۷۲: ۱۸-۲۳).

«گویندگان» تفاوت‌های جدی دارند و این دو اختلاف، به‌ویژه در جُنگ ۵۳۴ کتابخانه مجلس، بارزتر است.^۱

سَفینه منظوم سعدالدین الهی/آلهی^۲ به ترتیب موضوعی مرتب و به شصت‌ونه باب تقسیم شده است. با این حال، سَفینه یحیی توفیق دوازده باب را ندارد و از جُنگ ۱۴۴۵۶

۱. برای آگاهی بیشتر درباره این سَفینه نک: افشین‌وفایی، ۱۳۹۳: ۱۰۶؛ خاتمی، ۱۳۹۲: ۱۴-۲۹ و میرافضلی، ۱۳۹۱: ۲۵.

۲. در برگ ۱۲۱ پ سَفینه یحیی توفیق (مورخ ۷۵۴ق) نام «مولانا سعدالدین الهی» آمده و دو بیت به او منسوب است که در جُنگ ۵۳۴ کتابخانه مجلس همان دو بیت به نام «جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق» آمده، هرچند در دیوان چاپی جمال‌الدین اصفهانی یافت نشد و به احتمال بسیار از سعدالدین الهی است. همچنین در برگ ۱۴۹ از جُنگ اسکندر میرزا از «سعدالدین الهی» دو بیت آمده است که این دو بیت در برگ ۱۹۸ پ جُنگ ۵۳۴ کتابخانه مجلس نیز با سرنویس «لمرتبه سعد الهی/آلهی» به نام اوست و چون جُنگ اسکندر میرزا در ۸۱۳-۸۱۴ق فراهم آمده، می‌توان گفت که به‌احتمال بسیار گردآورنده اصلی این سه سَفینه، همین سخنور باشد که در منابع از وی یاد نشده است. نفیسی، گذشته از شعرای درجه اول و دوم در سده هشتم، بدون ذکر منبع از گویندگان دیگری نیز تنها با ذکر نام یاد می‌کند که «سعد الهی» یکی از آنهاست (نک: نفیسی، ۱۳۴۴: ۲۲۶/۱). میرافضلی هم جایی در سخن از سعدالدین الهی/آلهی، شهرت یا تخلص او را «سعدالدین آلهی» دانسته و بدون ذکر مأخذ، او را از ادبای سده هفتم هجری به شمار آورده (۱۳۹۱: ۲۵). گرچه در جُنگ رباعی از او به‌صورت «سعدالدین الهی» نام برده است (نک: ۱۳۹۴: ۲۰۵). اما با مراجعه به منابع دریافتیم که هیچ یک از ابیاتی که در سَفینه ۵۳۴ کتابخانه مجلس مندرج است، نه به جامع سَفینه، یعنی «سعدالدین الهی/آلهی»، بلکه به‌صورت‌های پنج‌گانه تحریف‌یافته شهرت یا تخلص او منسوب است. بنابراین «الاله» (آرزو، ۱۳۸۵: ۵۶۳/۲؛ اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۱۷۲۰/۳؛ ختّام‌پور، ۱۳۶۸: ۴۵۲/۱؛ نفیسی، ۱۳۴۴: ۶۷۸/۲)، «الاله» (صبا، ۱۳۴۳: ۳۵۶ و واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۹۵۰/۲)، «الاله» (همان، ۱۳۹۱: ۶۴۳/۱)، «الاله» (اختر هوگلی، ۱۳۹۳: ۷۵۳/۱) و «سعداللهی» (رحیم‌پور، ۱۳۹۱: ۲۷۸-۲۷۷)، بدخوانی و تحریف «الهی/آلهی» است که در سده‌های بعد سبب شده که شهرت یا تخلص درست این سخنور سده هفتم و هشتم هجری در منابع متأخر بدین صورت ضبط شود و تنها تقی‌الدین کاشانی در جُنگ خود (مورخ سده ۱۱ق، گ ۴۵ر)، نام درست این گوینده را به‌صورت «سعد الهی/آلهی» آورده است.

گفتنی است در کتابخانه مجلس یک جُنگ رباعی وجود دارد که جامع آن، در دیباچه، نام خود را به‌صورت «سعد ابی‌بکر بن سعد المعروف بحکیم آلهی» یاد کرده است (نک: نسخه شماره ۱۷۰۶۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مورخ سده ۱۰ق: گ ۴ر). صاحب عرفات‌العاشقین پس از ذکر «سعدالدین الاله» که صورت اشتباه «سعدالدین الهی/آلهی» است، از سخنوری با نام «سعدالدین حکیم» یاد می‌کند (نک: اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۱۷۲۵/۳) که به گمان نگارندگان شاید همان گردآورنده جُنگ رباعی فوق باشد؛ زیرا اشعاری از او در عرفات‌العاشقین آمده که هیچ یک از سعدالدین الهی/آلهی نیست و به نظر نمی‌رسد صاحب عرفات‌العاشقین این دو نام را با یکدیگر اشتباه کند و دو عرفه به هر یک اختصاص دهد، مگر آن‌که دو سخنور را در نظر داشته باشد؛ همچنان‌که در تمامی تذکره‌ها، از جمله عرفات‌العاشقین، یک قطعه و نیز بخشی از مثنوی قلمیّه از سعدالدین الهی/آلهی آمده، اما اشعار دیگری به نام «سعدالدین حکیم» آمده و شاید همین شباهت نام سعد ابی‌بکر بن سعد المعروف بحکیم آلهی سبب شده تا با نام مولانا سعدالدین الهی در سده هشتم در سَفینه یحیی توفیق (مورخ ۷۵۴ق) خلط شود و موجب اشتباه و بدخوانی این دو نام گردد.

کتابخانه گنج بخش تنها پنج باب، یعنی باب‌های دهم تا چهاردهم، باقی مانده و سفینه ۵۳۴ کتابخانه مجلس نیز فاقد چهار باب، یعنی باب‌های چهل و یکم تا چهل و چهارم است (برای آگاهی بیشتر درباره باب‌های این سفینه نک: چترایی، ۱۳۹۲: ۷۳-۷۵).^۱

در برگ‌های (۲۱۰-ر-۲۱۰پ) جنگ ۱۴۴۵۶ کتابخانه گنج بخش، هفت بیت فهلوی از بندار رازی وجود دارد که ضبط برخی از واژه‌ها و یا بخش‌هایی از مصرع‌ها با آنچه در دیگر منابع آمده، متفاوت است (نک: تصویر). به منظور سودمندی بیشتر، این اشعار بر اساس ضبط جنگ گنج بخش با ضبط دیگر منابع، مقابله و موارد اختلاف با حروف درشت (پُر) در متن برجسته شده است.

ضبط‌های نویافته از سه بیت فهلوی نخست

لبندار الرّازی

اج من به گل پیامه که روح و رطل و جامه
 بطلیح^۲ من کجانسه ساقی من کنامه^۳
 تا می خوریم کامروج روح نشاط و کامه
 خوشا کلا کجایه خوشبخت این سامه
 هرچند که راست گت آن کس که می حرامه
 چه روح چنین حدیثه چه جای چنین کلامه

این ابیات با اختلافاتی تنها در هفت اقلیم (تألیف: ۱۰۰۲ ق.) که نویسنده آن خود اهل ری بوده و گمان می‌رود که این ابیات را صحیح‌تر ضبط کرده باشد، چنین آمده است:

ای می به گل پیامه که روح و رطل جامه ز طلح کجاسه ساقی می کنامه

۱. این سفینه بر اساس جنگ ۵۳۴ کتابخانه مجلس و با در نظر داشتن دو بیاض پیش از آن، تصحیح و اشعار آن با دواوین گویندگان مقابله شده و متنی منتخ از این اثر فراهم آمده است که به زودی منتشر خواهد شد.

۲. حرف اول و چهارم، بی نقطه.

۳. حرف دوّم، بی نقطه؛ بر اساس دیگر منابع چنین ضبط شد.

تا می خوری کامروج روح نشاط و کامه خوشا کلا کجایی خوشبخت این پیامه
هرچند که راست کت آن کش کت می خرابه چه رو چنین حدیثه چه جا چنین کلامه
(رازی، ۱۳۷۸: ۱۱۶۹/۲)

مدبری نیز این ابیات را از تصحیح نه‌چندان معتبر هفت‌اقلیم (چاپ فاضل) با اختلافاتی
این‌گونه گزارش کرده است:

ای می به گل پیامه که روح رطل جامه رطل من کجایه ساقی می کنامه
نامی خوری کامروج روح نشاط کامه خوشا کلا کجایی خوشبخت این پیامه
هرچند راست کت آن کش کت گری خرابه چه رو چنین حدیثه چه جان چنین کلامه
(مدبری، ۱۳۷۰: ۳۷۲)

این ابیات که بر مبنای تقسیم‌بندی چهارگانه طیب‌زاده از فهلویات پس از اسلام، از
حیث زبان و وزن، در گروه «فهلویات قدیم عروضی» جای می‌گیرند (طیب‌زاده، ۱۳۹۲:
۶۷-۶۸ و ۷۰-۷۶)، ضبط‌هایی تازه و متفاوت را ارائه می‌دهند که عبارتند از: ضبط‌های
«اج من»، «رطل و جامه»، «به»، «کجانه»، «من» در بیت نخست، ضبط‌های «خوریم»،
«کجایه»، «سامه» در بیت دوم، و نیز ضبط‌های «کس که می حرامه»، «روح» و «جای
چین» در بیت سوم. چنان‌که پیداست این ضبط‌ها کهن‌تر و اصیل‌تر به نظر می‌رسند، حال
آن‌که ضبط‌های هفت‌اقلیم دست‌خورده‌تر و نوساخته‌تر می‌نمایند.

تفضلی در میان فهرست منتخبی که از واژه‌های درخور توجه در فهلویات به دست داده،
از «اج» (aj/až/ja) به معنی «از» یاد کرده است (تفضلی، ۱۳۸۵: ۱۲۲). ادیب طوسی نیز
در باره «اج» می‌نویسد: «اج = ac = از» حرف اضافه "در اوستا aja و در پهلوی hac یا ac)"
(ادیب طوسی، ۱۳۳۳: ۴۷۶). او جای دیگر در باب فهلویات مغربی تبریزی می‌گوید که
این شاعر گاه به جای «از» و «ز»، «اچ» و «چ» و گاهی «اج» و «ج» و «چو» یا «جو»
آورده و در مواردی هم «اژ» و «ژ» یا «از» و «ز» به کار برده است (همو، ۱۳۳۵: ۱۲۲). این
حرف در دوبیتی نجم دایه (۵۷۳-۶۵۴ق) به گویش رازی نیز آمده است: «آرتَم اج وَر
بُرانی وَر بَسرَم» (نجم رازی، ۱۳۶۵: ۹۵).

در همین بیت، «روح» همان «روح» (rōč) در زبان پهلوی است که فرهوشی (۱۳۸۱: ۴۸۶)

آن را به نقل از برهان قاطع، به معنی روز می‌داند. این واژه در مصرع‌های «که هفت اندام مردم روج محشر» (حمدالله مستوفی، ۱۳۹۴: ۷۶۲/۲) و «ویم آن روج که ویمت نونیم» (عین‌القضات، ۱۳۶۲: ۸۲/۲) هم که به ترتیب در تاریخ گزیده و نامه‌های عین‌القضات (مقتول: ۵۲۵ق) به نام بندار آمده، دیده می‌شود.

به نظر می‌رسد ضبط «(روج و رطل)» در جُنگ گنج‌بخش که در هفت‌اقلیم نیز آمده، خطای کاتب و غلط مسلم است و گویا صورت صحیح آن تنها در شرح احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان به صورت «(روج رطل)» آمده است (نک: مدبری، ۱۳۷۰: ۳۷۲).

ظاهراً ضبط «(بطلیح)» که حرف اول و چهارم، هر دو، بی‌نقطه است در اصل باید «(رطلیج)» باشد که پسوند «(یج)» (-Īj)، همان «(یگ)» (-Īg) پهلوی و «(ی)» نسبت (پسوند سازنده صفت نسبی) در زبان دری است (نک: مکنزی، ۱۳۸۸: ۹۲). بنابراین «(رطلیج)» همان «(رطلی)» است و «آن‌که رطل باده کشد» معنی می‌دهد (دهخدا، ۱۳۸۸: ذیل «(رطلی)») که بیت زیر از هفت‌پیکر شاهی است برای آن:

من به نیروی عشق و عذر شراب / کردم آنها که رطلیان خراب
(نظامی، ۱۳۱۵: ۱۶۴)

همچنین درباره‌ی واژه «کنامه» که حرف دوم آن بی‌نقطه است و این ضبط بر اساس دیگر منابع به دست داده شده، می‌توان گمان برد که اصل واژه، «کیامه» به معنی «چه کسی؟» است. ضبط اصیل «(کامروج)» در بیت دوم نیز در ابیات دیگری از بندار در مونس‌الاحرار (تألیف: ۷۴۱ق) آمده است، مانند: «ونفشه فاشقاق امروج هم پشت» که مصحح اثر، «(امروج)» را بر وزن و معنی «(امروز)» دانسته است (جاجرمی، ۱۳۵۰: ۴۹۲/۲). خانلری نیز از تبدیل دو صامت «(ز)» و «(ج)» به یکدیگر و نمونه‌هایی چون گشنیز/گشنیج و بجشک/پزشک یاد کرده (خانلری، ۱۳۶۵: ۷۶/۲) که خود تأییدی است بر آن‌که «(امروج)» همان «(امروز)» است.

در مصرع دوم بیت دوم، قافیه «(سامه)» ضبط شده است، در حالی که در دیگر منابع «(پیامه)» (= پیامه) آمده که به نظر صحیح است، لذا همان را باید در متن قرار داد.

در بیت سوم، فعل «(گت)» که در منابع، به اشتباه، «(کت)» خوانده شده در ابیات دیگر

بندار در مونس الاحرار بارها آمده است، مانند: «گتَش من بگتم» که مصحح اثر درباره آن آورده است: «گت = به ضمّ اوّل: به لغت دری و طبری مخفف گت است که فاء آن محذوف شده» (جاجرمی، ۱۳۵۰: ۴۹۱/۲). این واژه در منابع دیگر هم آمده است، مثلاً در تاریخ طبرستان (تألیف: ۶۰۶-۶۱۳ق) می‌خوانیم:

این باون وزنه که دقیقی گت: «للی تللی للی تئاتنا او»
(ابن‌اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۳۵/۱)

بنابراین معنی این ابیات را بر اساس صورت نهایی پیشنهادشده برای برخی از واژه‌های مبهم می‌توان چنین دانست:

بیت نخست: از من به گل پیام است که روز رطل (معنای پیشنهادی مطابق ضبط «روح رطل») و جام است. آن‌که رطل باده مرا می‌کشد کجاست و ساقی من کدام است (چه کسی است)؟

بیت دوم: بیا (معنای پیشنهادی برای «تا») امروز می‌خوریم که امروز روز نشاط و کامرانی است (معنای «خوشا کلا کجایه» بر نگارندگان روشن نیست). این پیام (با توجه به ضبط اختیاری نگارندگان، یعنی «پیامه» به جای ضبط «سامه») مایه خوشبختی است. بیت سوم: هرچند آن‌کس که گفت می‌حرام است راست گفت، اما چه روز چنین سخنی و چه جای چنین کلامی است.

در مجموع، معنای بخشی از مصرع دوم بیت دوم، یعنی «خوشا کلا کجایه» بر نگارندگان روشن نیست و ضبط‌های دیگر منابع، تحریفاتی است که به دنبال توجیه معنایی برای این بخش از مصرع بوده، که در نتیجه آنها را از صورت اصیل خویش دور کرده است.

ضبط‌های نویافته از چهار بیت فهلوی دیگر

از آنجا که ری بر سر راه‌های اصلی ایران‌زمین بوده، زبان رازی با فارسی رسمی تفاوت چشمگیری نداشته است (صادقی، ۱۳۸۶: ۱۶)؛ از این رو صاحب‌المعجم که خود اهل ری بوده، درباره زبان اشعار بندار می‌نویسد: «زبان او به لغت دری نزدیک‌تر از فهلوی است» (رازی، ۱۳۳۵: ۱۶۸). همچنین بسیاری از فهلویات در گذر زمان و بر اثر تصرّفات

کاتبان، به فارسی دری نزدیک شده و بسیاری از ویژگی‌های فهلویات کهن را از دست داده‌اند (نک: شکوهی، ۱۳۹۳: ۱۲۹/۵-۱۳۰). چهار بیت بعدی بنادر، نمونه‌ای از این ابیات هستند که نسبت به دیگر فهلویات، به فارسی دری شباهت بیشتری پیدا کرده‌اند. ضبط این چهار بیت در جُنگ گنج‌بخش بدین صورت است:

وله

می فرا آوری (کذا) که بهره می‌بری	می نشاط‌افزا و شادای آوری
هرکه را این می نبوشادی نبو	کاین جهان را خرّمی با می دری
ابلهان واژند کاین می ای حرام	ار ندانم کاین حرام از چه دری
ار حلالی ار حرامی چاره نیست	می مرا از جان شیرین خوشتری

[گ ۲۱۰ پ]

این ابیات با اختلافاتی در هفت اقلیم چنین آمده است:

می فرا آور که بهره می‌بری	می نشاط‌افزای شادای آوری
هرکه را که می نبوشادی نبود	این جهان خرّمی با می دری
ایلمان گویند کاین می بی حرام	می ندانم کاین حرام از چه دری
ار حلالی ار حرامی چاره نیست	می مرا از جان شیرین خوشتری

(رازی، ۱۳۷۸: ۱۱۷۰/۲)

در عرفات‌العاشقین (تألیف: ۱۰۲۲ - ۱۰۲۴ق) تنها سه بیت به صورت زیر آمده است:

می فرا آور که بهره می‌بری	می نشاط‌افزا و شادای آوری
هرکه را که می نبو، شادی نبو	این جهان خرّمی با می دری
ابلهان گویند کاین می بی حرام	می ندانم این حرام از چه دری

(اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۷۲۱/۲)

در مجمع‌الفصحاء (تألیف: ۱۲۸۴ق) نیز همان سه بیت بدین گونه آمده است:

می فرا آور که بهره می‌بری	می نشاط‌افزای شادای آوری
هرکه را که می نبوشادی نبو	این جهان را خرّمی با می دری

ابلهان گویند کاین می بی حرام می ندانم کاین حرام از چه دری
(هدایت، ۱۳۳۹: ۱/ بخش ۱/ ۶۰۸)

صاحب انجمن آرای ناصری (تألیف: ۱۲۸۶-۱۲۸۸ق) و فرهنگ آندراج (پایان تألیف: ۱۳۰۶ق) نیز دو بیت از این ابیات را با اختلافاتی ذیل واژه «بو» آورده‌اند:

می فراز آور که بهره می بری می نشاط افزای شادای آوری
هر کجا که می نبوشادی نبو این جهان را خرّمی با می دری
(هدایت، ۱۲۸۸ق: ۱۱۴؛ پادشاه، ۱۳۳۵: ۷۸۳/۱)

همچنین مدبری این ابیات را با اختلافاتی این گونه آورده است:

می فرا آور که بهره می بری می نشاط افزا و شادای آوری
هر که را که می نبوشادی نبو این جهان را خرّمی با می دری
ابلهان گویند کاین می بی حرام می ندانم کاین حرام از چه دری
ار حلالی ار حرامی چاره نیست می مرا از جان شیرین خوشتری
(مدبری، ۱۳۷۰: ۳۷۳)

چنان که می بینیم، به ترتیب، ضبط‌های «فرا آوری» در بیت اول، «این» و «کاین» در بیت دوم، و «واژند»، «ای» و «ار» در بیت سوم، ضبط‌هایی تازه و متفاوت هستند که در دیگر منابع نیامده است. از این میان، بی تردید، ضبط «فرا آوری» نادرست و با توجه به وزن بیت ناموجه است. «نبو» در بیت دوم مخفف «نبود» است، چنان که «بو» مخفف «بود» (موسوی طبری، ۱۳۹۱: ۶۸). صاحب انجمن آرای ناصری و فرهنگ آندراج نیز ذیل «بو» آورده‌اند که این واژه «مخفف بود و باشد و بوم و باشم و بوی و باشی و بیوی و بباش نیز آمده و بر این قیاس ضدّ بیو که نبو خواهد بود» (هدایت، ۱۲۸۸ق: ۱۱۴ و پادشاه، ۱۳۳۵: ۷۸۳/۱). این واژه در دیگر فهلویات نیز آمده است؛ مانند مصرع زیر از مُلا سحری طهرانی، شاعر سده یازدهم هجری، که به لهجه طهرانی گوید: «کی بو که همچو دسته گل گل دیم من ز در درآ» (نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۵۸۶/۱) و یا در این بیت:

«از بهر بتی گبر شوی عار نبو؟ تا گبر نشی ترا بتی یار نبو؟»

(محمد بن منور، ۱۳۸۱: ۷۷/۱)

همان طور که در عکس نسخه دیده می‌شود (نک: تصویر)، حرف دوّم واژه «ابلهان» در بیت سوّم، نقطه ندارد و به احتمال زیاد تصحیف «ابلهان» است.^۱

«واژند» در بیت سوّم از «واژیدن» /vā.žī.dan/ و «واژ-» /vāž-/ گرفته شده و به معنی «گفتن، سخن گفتن» است (حسن دوست، ۱۳۹۳: ۲۸۴۴/۴). این مصدر برای نمونه در اسرارالتوحید (تألیف: ۵۷۴ق) نیز آمده است: «شیخ بلحسن، شیخ بوسعید را گفت: سخن بواژ، مرا نصیحتی بکن» (محمد بن منور، ۱۳۸۱: ۱۳۶/۱). «واژند» در سده‌های بعد به دست مؤلفان و کاتبان به «گویند» تغییر یافته است. تفضّلی بر آن است که فلهویّات هرچند به صورت کنونی سخت متأثر از زبان فارسی است، امّا چون بقایایی از گویش‌های مادّی است، قرابت‌های زبانی با زبان پارسی دارد و سپس «vātan, važ» را «ریشه گفتن» (پارتی: wāxtan, wāž) دانسته است (تفضّلی، ۱۳۸۵: ۱۲۲).

در همین بیت «ای» همان «است» است که امروزه هم در محاوره به کار می‌رود، مثلاً می‌گوییم: «فلانی عزیز»، یعنی «عزیز است». به سخن دیگر، مصوّت کوتاه /e/ در اینجا - و احتمالاً در زبان رازی - به صورت مصوّت بلند /ē/ تلفّظ می‌شده و «است» معنی می‌داده است. جالب آن که در واژه «شادی‌آوری» در بیت نخست نیز همین مصوّت بلند با همان معنی وجود دارد؛ یعنی: شادی‌آوری = شادی‌آور است. صادقی نیز که در نوشتاری از تبدیل مصوّت کوتاه /e/ به مصوّت بلند «ی» سخن می‌گوید، اشاره می‌کند که «است» در زبان بندار به «ه» بدل شده بوده و می‌اندیشد که «ه» به شکل e- (یا -ī) تلفّظ می‌شده است. صادقی شاهد این مدّعا را ضبط‌های «حیدرتی، کوثرتی و مادرتی» به جای «حیدرته،

۱. همچنین نگارندگان گمان می‌کنند که ممکن است «ابلهان» در این بیت «ایلمان» هم خوانده شود و در این صورت چه‌بسا «ایلمان» همان «ایرمان» باشد که معین در حواشی برهان قاطع (تألیف: ۱۰۶۲ق) آن را از ریشه «ایرمان» (airyaman) در اوستا دانسته که به طبقه پیشوایان دینی و روحانیان اطلاق می‌شده است (معین، ۱۳۴۲: ۱۹۶/۱). معین بر آن است که این واژه در فارسی معنای اصلی خود را از دست داده و تحوّل بسیار پیدا کرده است (همان‌جا). بنابراین با توجّه به تبدیل دو صامت «ل» و «ر» به یکدیگر که در بسیاری از کلمات مانند جابلسا/جابرسا دیده می‌شود (خانلری، ۱۳۶۵: ۷۶/۲)، می‌توان نتیجه گرفت که چه‌بسا «ایلمان» در شعر بندار، همان «ایرمان» باشد. بنابراین معنای مصرع در این صورت چنین خواهد بود: پیشوایان دینی و روحانیان (اهل شریعت) گویند این می‌حرام است. البتّه این حدس کمی دور از ذهن است.

۲. برای اطلاع بیشتر درباره این مصدر نک: هرن و هوشمان، ۱۳۹۴: ۴۱۹-۴۲۰ و برهان، ۱۳۴۲: ۲۲۴۴/۴ و ۲۲۴۸.

کوثرته و مادرته» در یک جُنگ خطّی می‌داند که عبّاس اقبال این ضبط اشعار بنّدار را از آن نقل کرده است (صادقی، ۱۳۸۷: ۴۰۴-۴۰۵).

«ار» در اینجا تصحیف «از» یا «از» به معنی «من» است که در بعضی فهلویّات آمده و در برخی گویش‌های مادی نیز به کار می‌رود، همچنان‌که فره‌وشی «az» (= از) را در فرهنگ زبان پهلوی به معنای «من، ضمیر منفصل اوّل شخص مفرد» معنی می‌کند که بیشتر در حالت فاعلی استعمال می‌شود (نک: فره‌وشی، ۱۳۸۱: ۸۰). تفضّلی نیز که از قرابت میان فهلویّات و زبان پارتی سخن می‌گوید، یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌های مشترک را وجود دو صورت برای ضمیر اوّل شخص مفرد az «من» (I) (شکل مستقیم، قس. az در پارتی) و ma/mo «به من/مرا» (me) (شکل غیرمستقیم یعنی غیرفاعلی، قس. man در پارتی و فارسی میانه) می‌داند (تفضّلی، ۱۳۸۵: ۱۲۲). همچنین تفضّلی ذیل فهرستی از واژه‌های درخور توجّه در فهلویّات، به az به معنی «من» اشاره می‌کند (همان‌جا).

به نظر می‌رسد «از» به صورت «آز» در دوبیتی نجم دایه (د. ۶۵۴ق) به گویش رازی آمده است (نک: نجم رازی، ۱۳۶۵: ۹۵). مصحّح مرصاد العباد که گویا در نوشتن تعلیقات این دوبیتی، به نسخه‌بدل‌های این شعر نیز توجّه داشته، نسخه‌بدل مصراع «آرتم اج وَر بُرانی وَر بیسرم» (همان) را چنین گزارش می‌کند: «صو: وَر بر بوم؛ قب: ورته آز آنه ام اج در برانی» (همان) و سپس «از، آز» را «من» معنا می‌کند (همان، ۵۹۱). «دری» در مصرع دوّم بیت‌های دوّم و سوّم، «هست» معنی می‌دهد؛ همان‌طور که موسوی طبری هم با استناد به بیت سوّم همین ابیات، چنین معنایی را مراد کرده است (نک: موسوی طبری، ۱۳۹۱: ۶۳).

بنابراین ابیات فوق را بر اساس صورت نهایی پیشنهادشده برای برخی از واژه‌های مبهم آنها می‌توان چنین معنی کرد:

بیت نخست: می فرا آور (بر اساس اختیار ضبط «فراآور» به جای «فرا آوری») که بهره خواهی برد، زیرا می نشاط‌افزا و شادی‌آور است.

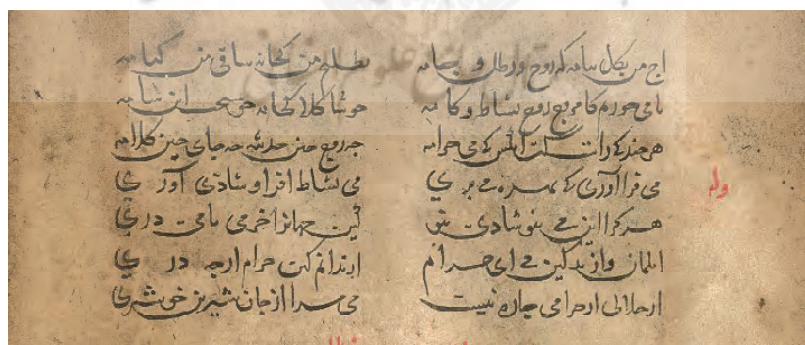
بیت دوّم: نزد هرکه این می نباشد، شادی نباشد؛ زیرا خرّمی این جهان با می درآمیخته است. بیت سوّم: ابلهان گویند این می حرام است، من نمی‌دانم که این حرام (می) برای چه هست (وجود دارد).

بیت چهارم: اگر (می) حلال باشد یا حرام، چاره نیست؛ می برای من از جان شیرین خوشتر است.

اگرچه برخی از آنچه در این جستار بیان شد، در حدّ حدس و گمان است، اما نگارندگان امیدوارند این پژوهش راه را برای پژوهش‌های آینده هموار کرده باشد تا به یاری آنها زوایای دیگری از این ابیات روشن شود.

نتیجه‌گیری

گرچه، به دلیل ناآگاهی کاتبان، بیشتر فہلوئیات با تحریفات و تصرّفات بسیار ضبط شده‌اند؛ اما با بررسی این اشعار از نظر ویژگی‌های زبانی، گویش‌شناختی و ساختار نحوی، در مواردی می‌توان عناصر زبان‌های ایرانی را در آنها بازشناخت و ویژگی‌های لغوی، صرفی و نحوی فہلوئیات را شناسایی کرد. همچنین با توجّہ به اهمّیت اشعار بُن‌دار به‌عنوان نخستین گوینده‌ای که در میان شاعران ایرانی، به سرودن اشعار محلی شهرت داشته و نیز فقدان نسخه‌ای کامل از دیوان او، توجّہ دقیق به تمام منابع جانبی، از هر نظر بایسته است و در این میان، جُنک‌ها و سفینه‌های کهن و حتی جُنک‌های متأخّر، اهمّیتی دوچندان دارند و منبعی قابل اعتنا برای بازسازی بخشی از دیوان او به شمار می‌روند.



(تصویر: جُنک ۱۴۴۵۶ کتابخانه گنج‌بخش: گ ۲۱۰-۲۱۰)

منابع

- آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ (۱۳۳۹-۱۳۴۰). آتشکده، بخش سوم، با تصحیح و تحشیه و تعلیق حسن سادات ناصری، تهران: امیرکبیر.
- آرزو، قاضی سراج الدین علی خان (۱۳۸۵). تذکره مجمع التّفایس، ج ۲، به کوشش دکتر مهرنور محمدخان، با همکاری دکتر زیب النساء علی خان، پاکستان - اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ابن اسفندیار، بهاء الدین محمد بن حسن (۱۳۶۶). تاریخ طبرستان، ج ۱، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: کلاله خاور.
- اختر هوگلی، قاضی محمدصادق خان (۱۳۹۳). تذکره آفتاب عالمتاب، ج ۱، تصحیح مرضیه بیگ وردی، زیر نظر یوسف بیگ باباپور، تهران: سفیر اردهال.
- ادیب طوسی، محمدامین (۱۳۳۳). «فهلویات المعجم»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، دوره ۶، ش ۳۲، ۴۷۱-۴۷۸.
- _____ (۱۳۳۵). «فهلویات مغربی تبریزی»، نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، دوره ۶، شماره ۳۷، ۱۲۱-۱۳۷.
- افشین وفاپی، محمد (۱۳۹۳). «نگاه نازه ای به زندگی عمادی غزنوی (به همراه معرفی منابع نویافته از اشعار او)»، ادب فارسی، س ۴، ش ۱ (پیاپی ۱۳)، ۹۳-۱۱۲.
- اوحدی بلیانی، تقی الدین محمد بن محمد (۱۳۸۹). عرفات العاشقین و عرصات العارفين، ج ۲ و ۳، تصحیح ذبیح الله صاحبکاری و آمنه فخر احمد، تهران: میراث مکتوب و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- برهان، محمدحسین بن خلف تبریزی (۱۳۴۲). برهان قاطع، ج ۱ و ۴، به اهتمام محمد معین، تهران: کتابفروشی ابن سینا.
- پادشاه، محمد (۱۳۳۵). فرهنگ آندراج، ج ۱، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابخانه خیّام.
- تفصّلی، احمد (۱۳۸۵). «فهلویات»، ترجمه فریبا شکوهی، نامه فرهنگستان، دوره ۸، ش ۱، ۱۱۹-۱۳۰.
- جاجرمی، محمد بن بدر (۱۳۵۰). مونس الاحرار فی دقائق الاشعار، ج ۲، به اهتمام میرصالح طیبی، با مقدمه محمد قزوینی، تهران: انجمن آثار ملی.
- جُنگ اسکندر میرزا تیموری. لندن: موزه بریتانیا، شماره Add. 27261 [نسخه خطی]، به خط محمد حلوابی و ناصر الکاتب، تاریخ کتابت ۸۱۳-۸۱۴ق، میکروفیلم شماره ۲۴ و عکس $\frac{6802}{2}$ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

- چترایی، مهرداد (۱۳۹۲). «اشعار نویافته شاعران قدیم کرمان در سفینه سعد الهی»، آینه میراث، ش ۵۳، ۶۷-۹۷.
- حسن دوست، محمد (۱۳۹۳). فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، ج ۴، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- حمدالله مستوفی، حمدالله بن ابی بکر (۱۳۹۴). تاریخ گزیده، ج ۲، به تصحیح محمد روشن، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- خاتمی، محمد صادق (۱۳۹۲). «تصحیح جنگ شماره ۵۳۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز.
- خیام‌پور، ع. (۱۳۶۸). فرهنگ سخنوران، ج ۱، تهران: طلایه.
- دولت‌شاه سمرقندی، دولت‌شاه بن بختیشاه (۱۳۸۲). تذکره الشعراء، به اهتمام و تصحیح إدوارد برون، تهران: اساطیر.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۸). لغت‌نامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رازی، امین احمد (۱۳۷۸). تذکره هفت اقلیم، ج ۲، تصحیح و تعلیقات و حواشی سید محمد رضا طاهری (حسرت)، تهران: سروش.
- رازی، شمس‌الدین محمد بن قیس (۱۳۳۵). المعجم فی معاییر اشعار العجم، به تصحیح علامه فقید مرحوم محمد بن عبدالوهاب قزوینی، با مقابله با شش نسخه خطی قدیمی و تصحیح مدرّس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
- رحیم‌پور، مهدی (۱۳۹۱). «اشعار نویافته از طیان بمی»، در: نذر عارف (جشن‌نامه دکتر عارف نوشاهی)، به خواستاری سعید شفیعیون و بهروز ایمانی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۲۷۳-۲۹۹.
- سعد ابی بکر بن سعد المعروف بحکیم آلهی. مجموعه رباعیات، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۷۰۶۳ [نسخه خطی]، تاریخ کتابت سده ۱۰ ق.
- سعدالدین الهی / آلهی. سفینه، استانبول: کتابخانه سلیمانیه (مجموعه مدرسه یحیی توفیق)، شماره ۴۴۹ [نسخه خطی]، تاریخ کتابت ۷۵۴ ق.
- جنگ گنج‌بخش، اسلام‌آباد: کتابخانه گنج‌بخش، شماره ۱۴۴۵۶ [نسخه خطی]، تاریخ کتابت سده ۸ ق.
- سفینه، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۵۳۴ [نسخه خطی]، تاریخ کتابت سده ۱۰ ق.

- شکوهی، فریبا (۱۳۹۳). «فهلویات»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۵، به سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۲۶-۱۳۳.
- شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۷۷). مجالس المؤمنین، ج ۲، تهران: کتابفروشی اسلامیّه.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۷۲). «اشعار تازه‌ای از منوچهری»، نشر دانش، س ۱۰، شماره ۷۸، ۱۸-۲۳.
- _____ (۱۳۸۶). «تحقیق در زبان کتاب التَّقْض شیخ عبدالجلیل رازی تصحیح استاد مرحوم دکتر میر جلال‌الدین محدث ارموی»، کتاب ماه کلیّات، س ۱۰، ش ۱۱ (پیاپی ۱۱۹)، ۱۶-۱۷.
- _____ (۱۳۸۷). «تحوّل a- پایانی کلمات فارسی به e-»، در: جشن‌نامه استاد اسماعیل سعادت، زیر نظر حسن حبیبی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۳۹۷-۴۱۰.
- صبا، مولوی محمّد مظفّر حسین (۱۳۴۳). تذکرة روز روشن، به تصحیح و تحشیه محمّدحسین رکن‌زاده آدمیت، تهران: کتابخانه رازی.
- طبیب‌زاده، امید (۱۳۹۲). «بررسی تاریخی وزن در فهلویات»، ویژه‌نامه فرهنگستان (زبان‌ها و گویش‌های ایرانی)، دوره جدید، ش ۳، ۵۹-۸۹.
- عین‌القضات، عبدالله بن محمّد (۱۳۶۲). نامه‌های عین‌القضات همدانی، ج ۲، به اهتمام علینقی منزوی و عقیف عسیران، تهران: منوچهری و زوّار.
- فره‌وشی، بهرام (۱۳۸۱). فرهنگ زبان پهلوی، تهران: دانشگاه تهران.
- کاشانی، میرتقی‌الدین. جُنگ، قم: مرکز احیاء میراث اسلامی، شماره ۱۰۶۶ [نسخه خطی]، تاریخ کتابت سده ۱۱ق.
- محمّد بن منوّر (۱۳۸۱). اسرارالتّوحید فی مقامات الشّیخ ابی سعید، بخش اول، مقدمه و تصحیح و تعلیقات محمّدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگاه.
- مدبّری، محمود (۱۳۷۰). شرح احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان در قرن‌های ۳/۴/۵ هجری قمری، تصحیح محمود مدبّری، تهران: پانوس.
- معین، محمد (۱۳۴۲). حاشیه بر: برهان قاطع ← برهان
- مکنزی، دیوید نیل (۱۳۸۸). فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- موسوی طبری، سیّدعبدالرضا (۱۳۹۱). «گزارش‌گونه‌ای از کیفیت احیای آثار عبدالقادر مراغی»، ضمیمه آینه میراث، س ۱۰، ضمیمه ش ۲۷.

- میرافضلی، سیدعلی (۱۳۹۱). «اشعار رفیع‌الدین عبدالعزیز لُبنانی»، در: متون ایرانی: مجموعه رساله‌های فارسی و عربی از دانشوران ایرانی (از آغاز دوره اسلامی تا پایان عصر تیموری)، دفتر سوم (با تأکید بر دیوان‌ها و اشعار فارسی)، به‌کوشش جواد بشری، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۹-۳۹.
- _____ (۱۳۹۴). جُنگ رباعی (بازیابی و تصحیح رباعیات کهن پارسی)، تهران: سخن.
- خانلری، پرویز [ناتل] (۱۳۶۵). تاریخ زبان فارسی، ج ۲، تهران: نشر نو.
- نجم رازی، عبدالله بن محمد (۱۳۶۵). مرصاد العباد، به‌اهتمام محمدامین ریاحی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- نصرآبادی، محمدطاهر (۱۳۷۸). تذکره نصرآبادی: تذکره الشعراء، به انضمام رسائل، منشآت و اشعار، ج ۱، مقدمه و تصحیح و تعلیقات محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
- نظامی عروضی، احمد بن عمر (۱۳۳۳). چهارمقاله، به اهتمام و تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، با تصحیح مجدد و شرح لغات و عبارات و توضیح نکات ادبی به‌کوشش دکتر محمد معین، تهران: کتابفروشی زوّار.
- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۱۵). هفت‌پیکر، با حواشی و شرح لغات و ابیات و مقابله با سی نسخه کهن سال یادگار و ارمغان وحید دستگردی، تهران: ارمغان.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۴). تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، ج ۲، تهران: کتابفروشی فروغی.
- واله داغستانی، علیقلی خان (۱۳۹۱)، تذکره ریاض الشعراء، ج ۱، تصحیح و مقدمه و فهرست‌ها از ابوالقاسم رادفر و گیتا اشیدری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۴). تذکره ریاض الشعراء، ج ۲، مقدمه و تصحیح و تعلیق سیدمحسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۳۹). مجمع الفصحاء، ج ۱ (بخش اول)، به‌کوشش مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۲۸۸ق). انجمن آرای ناصری [چاپ سنگی]، طهران: کارخانه عالیجاه علیقلی خان.
- هُرن، پاول و هاینریش هوبشمان (۱۳۹۴). فرهنگ ریشه‌شناسی فارسی، ترجمه همراه با گواه‌های فارسی و پهلوی از جلال خالقی مطلق، اصفهان: مهرافروز.
- هروی، فخری (۱۳۴۵). تذکره روضة السلاطین، به‌تصحیح و تحشیه ع. خیامپور، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.